

نگاهی به یکی از تعقیبات نماز عصر و تصحیح فرازی اشتباه از آن

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۶

محمد مهدی فرهی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

محسن توکلی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

حدیث که یکی از منابع مهم و ارزشمند برای دستیابی به دین الهی است از بدو پیدایش خود تا به امروز با آسیب‌های متعددی چون جعل، از بین رفتن، نقل به معنا، تقطیع، تصحیف و اشتباهات نساخ روبه‌رو بوده است. با وجود اهمیت عین الفاظ و عبارات و ترتیب دعاها و اذکار و اوراد، حتی آنها نیز از گزند این آسیب‌ها در امان نمانده‌اند. از آنجا که لازم است حتی المقدور ادعیه و اذکار به همان صورتی که از معصوم علیه السلام صادر شده است خوانده شوند تصحیح این متون ضرورت می‌یابد. در این نوشتار از اختلافات موجود در یکی از تعقیبات نماز عصر و لزوم تصحیح متون روایی با روش علمی آن سخن خواهد رفت و به وجود فرازی نادرست در آن اشاره خواهد شد، سپس عبارت تصحیح شده را بیان خواهد کرد.

کلید واژه‌ها: تعقیبات، ادعیه، نماز عصر، نماز باران، توبه.

مقدمه

در طول تاریخ، حدیث که یکی از منابع مهم و با ارزش برای دستیابی به دین الهی است با آسیب‌هایی چون جعل، از بین رفتن، نقل به معنا، تقطیع، تصحیف و اشتباهات نساخ روبه‌رو بوده است. آسیب‌هایی که دامن احادیثی که از معصومین علیهم‌السلام صادر شده است (جعلی نیست) و به دست ما رسیده است (از بین نرفته است) را گرفته است، می‌توان به دو قسم کلی تقسیم کرد: ۱. آنچه محتوا را تغییر نداده است. ۲. آنچه محتوا را تغییر داده است. قسم دوم خود به دو قسم قابل تقسیم است: الف) تغییر محتوا موجب به وجود آمدن معنایی ناسازگار با شرع نشده است. ب) تغییر محتوا موجب به وجود آمدن معنایی ناسازگار با شرع شده است. این نوشتار در صدد بررسی فرازی از یکی از تعقیبات نماز عصر است که به ظاهر حامل معنایی ناسازگار با شرع، بلکه کفرآمیز است و مسلم است که آن فراز بدان شکل از معصوم علیه‌السلام صادر نشده است، البته پیش از آن به اختلافاتی که در نقل این تعقیب در کتب ادعیه و روایی وجود دارد می‌پردازیم و به لزوم تصحیح متون روایی با روش علمی آن توجه خواهیم داد. این اختلافات و وجود چنین فرازی در این دعا در حالی است که هر چند نقل به معنای روایات با رعایت شروطی جایز دانسته شده است؛ اما اهمیت عین الفاظ و عبارات معصوم علیه‌السلام در ادعیه، اذکار و اوراد به حدی است که این مورد، از جواز نقل به معنا استثنا شده است.^۱

با توجه به اینکه این دعا در مفاتیح الجنان در قسمت تعقیب نماز عصر ذکر شده است و امروزه مفاتیح الجنان در میان عموم مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است و افراد بسیاری دعاها را از روی این کتاب می‌خوانند و علاوه بر آن، این دعا در مساجد، حسینیه‌ها و نمازخانه‌ها نصب می‌شود، شاید تصحیح آن اهمیتی دوچندان داشته باشد.

اختلافات در نقل تعقیب نماز عصر

یکی از تعقیبات نماز عصر دعایی است که سید ابن طاووس در *فلاح السائل* آن را از امام صادق علیه السلام از پدرشان از رسول خدا صلی الله علیه وآله این گونه نقل کرده است:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.^۲

این تعقیب در *مصباح المتهجد*،^۳ *عدة الداعی*،^۴ *البلد الأمين*،^۵ *المصباح*،^۶ *مفتاح الفلاح*،^۷ *بحار الانوار*،^۸ *مستدرک الوسائل*،^۹ *مفاتیح الجنان* نیز ذکر شده است، لیکن میان آنها تا حدودی اختلاف است.

۱. اختلاف در بودن یا نبودن «الرحمن الرحیم» پس از «الهی القیوم»؛ در *مصباح المتهجد*، *البلد الأمين*، *المصباح*، *مفتاح الفلاح*، *بحار الانوار*، *مستدرک الوسائل* و *مفاتیح الجنان* پس از «الهی القیوم»، «الرحمن الرحیم» وجود دارد، در حالی که در *فلاح السائل* و *عدة الداعی* «الرحمن الرحیم» نیست. قابل توجه است حتی *بحار الانوار* و *مستدرک الوسائل* که این تعقیب را از *فلاح السائل* نقل کرده اند برخلاف *فلاح السائل* این زیادی را دارند، شاید این اختلاف در اثر سهو در نقل باشد، شاید هم نسخه‌ای از *فلاح السائل* که در اختیار علامه مجلسی و محدث نوری بوده است، این چنین نقل کرده است.

۲. اختلاف در «ذا الجلال» و «ذو الجلال»؛ در *مفتاح الفلاح* و *مستدرک الوسائل* همچون *فلاح السائل* «ذا الجلال» ذکر شده، لیکن در مابقی کتب «ذو الجلال» آمده است، حتی *بحار الانوار* با اینکه این دعا را از *فلاح السائل* نقل کرده است برخلاف آن «ذو الجلال» ذکر کرده است.

۳. بودن یا نبودن «خاشع» پس از «خاضع»؛ تنها در *مفتاح الفلاح* پس از «خاضع» در کروش «خاشع» ذکر شده و در پاورقی به نسخه‌ای که این زیادی در آن هست اشاره شده است.

۴. بودن یا نبودن «مسکین» در دعا؛ جز در *عدة الداعی* - که واژه «مسکین» در آن در گروه آمده است و به نظر می‌رسد به وسیله مصحح اضافه شده است - و *مفتاح الفلاح* در مابقی کتب این واژه وجود دارد.

۵. بودن یا نبودن «مستکین» در دعا؛ این واژه در *مصباح المتجهد* نیست، در *المصباح* در گروه آمده است، هر چند برای این کتاب مصحح ذکر نشده؛ اما به نظر می‌رسد دیگران آن را اضافه کرده‌اند، در *مستدرک الوسائل* نیز این واژه در گروه آمده است. محقق آن در پاورقی اشاره کرده که آن را از مصدر کتاب که *فلاح السائل* بوده اضافه کرده است. در مابقی کتب این واژه وجود دارد.

۶. تقدم یا تأخر «مستجیر» نسبت به «مسکین» و «مستکین»؛ در تمام کتبی که این هر سه واژه ذکر شده «مستجیر» متأخر از آن دو واژه است، کتبی که یکی از دو واژه «مسکین» و «مستکین» را ذکر کرده‌اند نیز «مستجیر» را متأخر ذکر کرده‌اند، جز کتاب *عدة الداعی* که «مسکین» را در گروه آورده و «مستجیر» را بر هر دو واژه «مسکین» و «مستکین» مقدم داشته است.

۷. مقدم یا مؤخر بودن «نفعاً» بر «ضراً»؛ به جز *مفتاح الفلاح* که «ضراً» را بر «نفعاً» مقدم داشته در مابقی کتب «نفعاً» بر «ضراً» مقدم است.

۸. مقدم یا مؤخر بودن «موتاً» بر «حیاء»؛ جز در *عدة الداعی* که «حیاء» را بر «موتاً» مقدم داشته در مابقی کتب «موتاً» بر «حیاء» مقدم است.

این همه اختلاف در نقل این تعقیب در حالی است که عین الفاظ و عبارات و ترتیب آنها در ادعیه، اذکار و اوراد منقول از معصومین علیهم السلام بسیار حائز اهمیت است و برای هیچ کس ایجاد کوچکترین تغییری در آنها روا نیست، شایان توجه است که این دعا تنها حدود دو سطر است و این همه اختلاف - علاوه بر وجود فرازی به ظاهر توهین‌آمیز - در نقل آن وجود دارد؛ با وجود این، وضعیت دعاهاى بلند و طولانى چه خواهد بود؟



دلیل این اختلافات مختلف چه چیز می‌تواند باشد؟ ممکن است فرد وقتی آن را از حفظ در کتابش نقل می‌کرده است قسمتی از آن را فراموش کرده یا سهواً چیزی به آن اضافه کرده باشد، ممکن است وقتی از روی مصدر، آن را در کتابش می‌آورده است، سهواً قسمتی از آن را جا انداخته و یا سهواً قسمتی بدان افزوده باشد، ممکن است فرد آن را با دعایی دیگر خلط کرده باشد و در نتیجه چیزی از این دعا کاسته و یا بدان افزوده شده است، نیز احتمال دارد که مؤلف کتاب، قسمتی را صحیح نقل کرده باشد؛ اما نساخ در نسخه برداری سهو کرده باشند.

این احتمال وجود دارد که این تعقیب با بخشی از دعایی که در خصوص قنوت نماز باران وارد شده است خلط شده باشد و برخی اشتباهات در اثر این خلط به وجود آمده باشد، در البلد الامین آن بخش از دعای قنوت نماز باران این‌گونه نقل شده است:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُتَوَّبَ عَلَيَّ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.^{۱۱}

از مقایسه این قسمت از دعای قنوت نماز باران با دعای تعقیب نماز عصر به راحتی شباهت بسیار آنها به یکدیگر به دست می‌آید. ممکن است «الرحمن الرحيم» که برخی در تعقیب نماز عصر آورده‌اند در اثر خلط بین این دو دعا اشتباهاً در تعقیب نماز عصر افزوده باشند. در این دعا واژه «مستجیر» ذکر نشده است و شاید سبب اینکه برخی در تعقیب نماز عصر این واژه را ذکر نکرده‌اند خلط آن تعقیب با این دعا باشد. این دعا در المصباح^{۱۲} نیز ذکر شده، لیکن در آنجا «ذو الجلال» آمده است. البته در آنجا اعراب «الرحمن الرحيم» بر خلاف البلد الامین مرفوع است؛ اما محتمل است کتاب مؤلف بدون اعراب بوده باشد و این اعراب‌ها ربطی به مؤلف نداشته باشد.

ناگفته نماند خلط بین این دو دعا محتمل است و قطعی نیست و حتی ممکن است این بخش از دعای قنوت نماز باران عیناً با تعقیب نماز عصر یکی باشد، لیکن دستیابی به نظر صحیح،

نیازمند تفحص و بررسی دقیق است.

شاید برخی از اختلافات موجود در متن تعقیب نماز عصر را تا حدودی بتوان برطرف کرد، مثلاً مواردی را که تنها یک یا دو کتاب یا کتب دیگر اختلاف دارند را حمل بر وجود اشتباه در آن یک یا دو کتاب کنیم، یا از آنجا که *فلاح السائل* این تعقیب را با سند ذکر کرده و از دیگر کتب - غیر از *مصباح المتهدج* که فاقد سند است - قدیمی تر است، آن را اصل قرار دهیم؛ لیکن برای دستیابی به ظن قوی تر و در صورت میسر بودن دستیابی به یقین لازم است با روش علمی تصحیح متون که مستلزم گردآوری نسخه‌های مختلف با تأکید بر نسخه‌های قدیمی تر و معتبرتر است به تصحیح این تعقیب پرداخته شود؛ چه بسا *فلاح السائل* و همچنین دیگر کتب نسخه‌های مختلفی داشته باشند که خود آن نسخه‌ها با یکدیگر اختلاف داشته باشند، پس اکتفا کردن به متون چاپ شده، ممکن است ما را از دستیابی به نتیجه صحیح بازدارد. با توجه به اهمیت تصحیح متون روایی به روش علمی آن، شایسته است دانشمندان و اهل علم نسبت به این امر اقدام نمایند.

تصحیح فرازی از این تعقیب

در فرازی از این تعقیب آمده است:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مُسْكِنٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.^{۱۳}

فراز «وَأَسْأَلُهُ» به بعد، حامل معنایی به ظاهر توهین‌آمیز است، برای روشن تر شدن مطلب به ترجمه این فراز می‌پردازیم: «و از او (خدای سبحان) می‌خواهم که آن‌سان که بنده‌ای ذلیل، خاضع، فقیر، تهیدست، مسکین، فروتن، پناه‌خواه، که مالک سود، زیان، مرگ، زندگی و برانگیخته شدنش نیست توبه می‌کند، بر من توبه کند.»

خواننده این دعا از خدای سبحان می‌خواهد که همان‌طور که بنده‌ای ذلیل، خاضع، فقیر... که مالک سود، زیان، مرگ، زندگی و برانگیخته‌شدنش نیست، توبه می‌کند، خدای سبحان بر او توبه کند. بنده‌ای با این صفات چگونه توبه می‌کند؟ خواننده این دعا از خدای سبحان می‌خواهد که به همین شکل خدا بر او توبه کند!!!؟؟؟

واضح است که این چنین درخواست کردن بسیار زشت و ناپسند، همراه با توهین به ذات اقدس الهی است.

بزرگانی که این دعا را به این شکل نقل کرده‌اند ظاهراً گمان کرده‌اند که فرد در این دعا می‌گوید خدایا من به سوی تو این چنین توبه می‌کنم، غافل از اینکه فرد در این دعا می‌گوید خدایا تو این چنین بر من توبه کن. سید ابن طاووس پس از نقل این دعا می‌گوید:

...کن صادقاً بقولک إنک تتوب توبه عبد ذلیل فلیظهر الذل علی سؤالک و علی لسان حالك و قلت خاضع فلیکن الخضوع علی وجه مقالک و فعالک...؛ در سختی که همچون بنده‌ای ذلیل توبه می‌کنی راستگو باش، پس باید در خواسته‌ات و بر زبان حالت ذلت نمایان شود و گفتی خاضع، پس باید سخنان و افعال خاضعانه باشد...^{۱۴}

علامه مجلسی نیز پس از نقل این دعا، این سخن را از سید ابن طاووس نقل کرده است،^{۱۵} در حالی که معنای دعا چیز دیگری است؛ با ذلت، خضوع و... به پیشگاه الهی توبه کردن کجا و نعوذ بالله درخواست اینکه خدای سبحان این چنین بر بنده‌اش توبه کند کجا!!!؟؟

ضمیر «ه» در «اسأله» به خدای متعال برمی‌گردد و فاعل «یتوب» نیز خدای سبحان است، همچنین توبه خدای متعال بر بنده‌اش با حرف جر «علی» متعدی می‌شود و توبه بنده به درگاه الهی با حرف جر «الی» متعدی می‌شود. راغب معنای توبه خدای متعال بر بنده را قبول توبه بنده دانسته است.^{۱۶} در تاج العروس تمام معانی ذیل برای توبه خدای متعال بر بنده صحیح دانسته شده است: ۱. برگشت خدای تعالی بر بنده با مغفرت؛ ۲. موفق کردن بنده به توبه؛ ۳. برگشت خدای متعال به بنده از تشدید به تخفیف؛ ۴. برگشت خدای سبحان بر بنده با فضل و

قبولش.^{۱۷}

در اینکه شکل صحیح این فراز چگونه بوده است ممکن است نظرات مختلفی مطرح شود، مانند اینکه حرف جر در اینجا «الی» بوده که سهواً به «علی» مبدل شده است. در پاسخ به این نظر باید توجه داشت همان‌طور که گفتیم ضمیر «ه» در «اسأله» به خدای متعال برمی‌گردد و فاعل «یتوب» نیز خدای تعالی است، با وجود این با صرف تغییر حرف جر «علی» به «الی» متن صحیح این دعا به دست نمی‌آید؛ علاوه بر این ضمیر «ی» در «علی» نیز به بنده برمی‌گردد.

بعید نیست وجه صحیح این باشد که «علی» که مرکب از حرف جر و ضمیر «ی» است در اصل «علی» حرف جر بدون ضمیر بوده است و همچنین «توبه» زائد است که اشتباهاً وارد متن دعا شده است، در این صورت معنای دعا صحیح و بی‌اشکال خواهد بود؛ اشتباه موجود در دعا نیز ممکن است از جانب راوی یا نساخ صورت گرفته باشد. فرازی از دعای قنوت نماز باران که شبیه این تعقیب است می‌تواند مؤید این نظر باشد، در آن فراز آمده است:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مَسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.^{۱۸}

در این دعا «توبه» وجود ندارد و حرف جر «علی» نیز با ضمیر متکلم «ی» ترکیب نشده است، فرد در این دعا از خدای متعال می‌خواهد که بر بنده‌ای ذلیل، خاضع، فقیر... که مالک سود، زیان، مرگ، زندگی و برانگیخته شدنش نیست که مرادش خودش است - توبه کند؛ واضح است که این معنا با معنایی که در تعقیب نماز عصر بود کاملاً متفاوت است.

قابل توجه است که دعای قنوت نماز باران در المصباح کفعمی بدین شکل ذکر شده است:

...وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ [عَلَيَّ تَوْبَةً] عَلَيَّ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ...^{۱۹}



آنچه در گروه آمده است به نظر می‌رسد از مؤلف نیست و دیگران اضافه کرده‌اند و عبارت در اینجا نیز «یتوب علی عبد» است، احتمالاً فردی که گروه را اضافه کرده است این دعا را با دعای تعقیب نماز عصر یکی پنداشته است و به جای اینکه آن دعا را با این دعا تصحیح کند، این دعا را با آن تعقیب مخدوش ساخته است!؛ البته با این اضافه معنای این دعا همچون دعای تعقیب نماز عصر دارای اشکال و توهین‌آمیز نشده، بلکه معنا صحیح است؛ زیرا در این دعا برخلاف دعای تعقیب بین «توبه» و «عبد»، حرف جر «علی» اضافه وجود دارد و معنا این است:

...و از او (خدای متعال) می‌خواهم که آن‌گونه که بر بنده‌ای ذلیل، خاضع... توبه می‌کند، بر من توبه کند.

روشن است که این معنا بی‌اشکال است؛ اما لازم است که دعاها همان‌طور که وارد شده است، خوانده شود. البته اگر در تصحیح این دعا با روش علمی آن، مشخص شود که در اصل دعا به این شکل بوده است، روشن است که این دعا را باید به همین شکل خواند.

همچنین بحار الانوار^۲ و مستدرک الوسائل^{۲۱} دعای قنوت نماز باران را به نقل از البلد الامین و المصباح ذکر کرده‌اند، لیکن این چنین نقل کرده‌اند:

...وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ...
چنانکه روشن است این فراز را مانند آنچه در تعقیب نماز عصر بود ذکر کرده‌اند، احتمالاً علامه مجلسی و محدث نوری این دعا را با دعای تعقیب نماز عصر یکسان پنداشته‌اند و به جای اینکه دعای تعقیب را تصحیح و اصلاح کنند این دعای قنوت را نیز مخدوش ساخته‌اند.



پی نوشت‌ها:

۱. مامقانی، عبدالله، مقياس الهداية في علم الدراية، ج ۳، ص ۲۵۰.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۰۱.
۳. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتعبد ج ۱، ص ۷۵.
۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۶۶.
۵. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۲۰.
۶. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمی، ص ۳۵.
۷. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح فی عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات، ص ۱۹۸.
۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۸۳، ص ۸۲-۸۳.
۹. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۱۲۱.
۱۰. قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۳۷.
۱۱. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۱۶۶.
۱۲. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمی، ص ۴۱۶.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۰۱.
۱۴. همان.
۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۸۳، ص ۸.
۱۶. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ذیل ماده «توب».
۱۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ذیل ماده «توب».
۱۸. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۱۶۶.
۱۹. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمی، ص ۴۱۶.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۸۹، ص ۳۳۹-۳۴۰.
۲۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، ص ۱۸۳.

منابع:

۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، مصحح: احمد موحدی قمی، دار الکتب الإسلامی، اول، ۱۴۰۷ ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، بوستان کتاب، قم، اول، ۱۴۰۶ ق.
۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح: علی هلالی، علی سیری، دارالفکر، بیروت، اول، ۱۴۱۴ ق.
۴. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، دار القلم - الدار الشامیة، بیروت - دمشق، اول، ۱۴۱۲ ق.
۵. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات، نشر دار الأضواء، بیروت، اول، ۱۴۰۵ ق.
۶. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، مؤسسة فقه الشیعة، بیروت، اول، ۱۴۱۱ ق.
۷. قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، مصحح: محمدرضا اشرفی، الهادی، قم، دوازدهم، ۱۳۸۷.
۸. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین و الدرع الحصین، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، اول، ۱۴۱۸ ق.
۹. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة و جنة الإیمان الباقیة)، دار الرضی (زاهدی)، قم، دوم، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. مامقانی، عبدالله، مقیاس الهدایه فی علم الدرایه، محقق: محمدرضا مامقانی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مصحح: جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ ق.